

واکاوی نقش زنان در توسعه محلی پایدار، رویکردی زیست‌شناختی در احیاء منابع زیست محیطی (مورد: تجربیات پروژه بین‌المللی ترسیب کربن در استان خراسان جنوبی)

محمود فال سلیمان*

استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه فردوسی مشهد

محمد حجی پور

دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه خوارزمی تهران

چکیده

هدف این پژوهش در سه سطح جهانی، ملی و محلی تعریف شده که در سطح محلی این پژوهش به منظور بسط و توسعه دیدگاه‌های مشارکتی در احیاء مراتع و افزایش توان و ظرفیت ترسیب کربن و نیز بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی ساکنان محلی اجرا شد. لذا در این زمینه به بسیج و توانمندسازی جامعه محلی زنان به‌عنوان ابزار اساسی برای مدیریت و مشارکت، همیاران دائم در مدیریت و احیاء مراتع تحت‌عنوان سرمایه زیست محیطی منطقه، تشکیل گروه‌های توسعه روستایی زنان به‌عنوان سرمایه اجتماعی، صندوق‌های خرد اعتباری زنان به‌عنوان سرمایه مالی و توسعه روستاها و... عمل کرده است. بررسی عملکرد زنان در این پژوهش نشان می‌دهد که آن‌ها با شکل‌های سازمان‌یافته در قالب گروه‌های توسعه روستایی در امر احیاء مراتع در فعالیت‌هایی همچون بذرچینی از گیاهان بومی منطقه، احداث نهالستان، کاشت و آبیاری گونه‌ها، در عرصه احیاء مراتع مشارکت مستقیم داشته‌اند. هم‌چنین آن‌ها به‌طور غیر مستقیم با پذیرش نوآوری جدید سوختی، بوته‌کشی از مراتع را به میزان ۷۵ درصد قبل کاهش داده‌اند و از طریق جمع‌آوری پس‌اندازهای کوچک خود در صندوق‌های خرد اعتباری به فعالیت‌های تولیدی-اقتصادی متنوعی برای کاهش وابستگی به شغل دامداری و استفاده از مراتع برای چرای دام اقدام کرده‌اند که نقش اصلی را در تعادل دام و مرتع داشته است.

واژگان کلیدی

توسعه محلی پایدار؛ مشارکت؛ منابع طبیعی؛ پروژه بین‌المللی ترسیب کربن؛ زنان روستایی

* نویسنده مسئول

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۱۲/۵

تاریخ تصویب: ۱۳۹۱/۹/۱۵

مقدمه و بیان مسأله

توسعه به‌عنوان هدفی غایی در نظام برنامه‌ریزی جایگاه ویژه‌ای دارد و در تمامی جنبه‌های زندگی انسانی تسری یافته است. امروزه دیگر توسعه معادل رشد اقتصادی نیست، بلکه جریانی چند بعدی است که در خود تجدید سازمان و سمت‌گیری متفاوت کل نظام اقتصادی-اجتماعی را به همراه دارد (لهمان، ۱۹۷۹: ۳۲-۹). توسعه پایدار مفهوم جدید و متداول توسعه در سه دهه اخیر است. توسعه‌ای که نیازهای فعلی را بدون خدشه‌دار کردن توانایی نسل آینده برای برآورده کردن نیازهای خود برآورده کند (پاپلی‌یزدی و ابراهیمی، ۱۳۸۷: ۴۹). ماهیت و معنای پایه ارزشی و اخلاقی نهفته در این مفهوم از توسعه این است که تغییر در طبیعت توسط انسان تا زمانی جایز است که حیات کره زمین و منابع طبیعی تهدید نشود؛ به همین دلیل تخریب محیط زیست در تقابل کامل با سیاست‌های توسعه پایدار است (اسماعیل و استیدس، ۱۹۹۰: ۳۹).

یکی از ابعاد فضایی توسعه پایدار، توسعه پایدار روستایی است که توجه به بعد محلی آن با توجه به شرایط متفاوت محیطی، اقتصادی و اجتماعی زیست بوم‌ها برنامه‌ریزان منطقه‌ای، محلی و روستایی به آن توجه خاص کرده‌اند. از جمله اهداف توسعه محلی پایدار اهداف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و زیست محیطی است که در این زمینه اهمیت و جایگاه نقش زنان، بخشی مهم از جامعه محلی، در جریان توسعه پایدار امری مشخص و ضروری است. در بحث اهداف زیست محیطی یکی از هدف‌های مهم، موضوع حفظ منابع طبیعی و مدیریت مناسب آن به‌ویژه توسط زنان روستایی است؛ چرا که حفظ منابع طبیعی و بهره‌برداری صحیح از آن به‌عنوان رکن اساسی تولید در روستاها همواره مورد توجه بوده است و زنان، بخش مهمی از نیروی کار، رابطه‌ای نزدیک، آگاهانه و دلسوزانه با عوامل محیطی تولید و بهره‌برداری داشته‌اند.

رسالت برنامه‌های توسعه روستایی پایدار، ارتقای توانایی جوامع روستایی برای نیل به توسعه، رشد و بهبود کیفیت زندگی و حفاظت از منابع طبیعی است؛ که این امر با تخصیص هدفمند منابع مالی و فنی به مناطق دارای بیش‌ترین نیاز و نیز از طریق انجام دادن اقداماتی رخ

1. Lehmann
2. Ismail & Steeds



می دهد که بالاترین زمینه را دارند. برای ارتقای توانایی های جامعه روستایی وجود آموزش و مشارکت های مردمی هر دو جنس در ابعاد مختلف ضروری است. جوامع محلی باید در تمام طرح هایی که در روستا به اجرا در می آید نقش اساسی را ایفا کند؛ به طوری که اجرای این طرح ها بتواند آن ها را توانمند کرده و قابلیت آن ها را برای تأمین معاش افزایش دهد؛ بدون این که به منابع طبیعی و انسانی لطمه ای وارد شود. این شرایط نه تنها باعث افزایش اعتماد به نفس روستاییان می شود، بلکه اعتماد آن ها را به نیروهای خارج از روستا افزایش داده و مشارکت بیش تر آن ها را تضمین خواهد کرد. هم چنین موفقیت در کسب و کارهای روستایی به ویژه اشتغال زایی برای مردان و زنان به عوامل مختلفی بستگی دارد، از جمله سرمایه مالی که دسترسی به اعتبار خرد یکی از آنهاست که با مشارکت خود مردم مهیا شود و سیستم های رسمی آن را حمایت کند (سینگه و چاندوک^۱، ۱۹۷۰: ۴۶). از طرف دیگر با دسترسی روستاییان به اعتبارات، فقر که یکی از مسائل مهم جامعه روستایی است تا حدودی مرتفع خواهد شد (بانک جهانی^۲، ۱۹۷۵: ۳۹). لازمه تمامی موارد یاد شده شکل گیری جامعه محلی روستایی در قالب تشکل هایی سازمان یافته است که مردم از طریق آن شاهد اثرگذاری خود در زمینه هایی که رأی شان بر آن بوده باشند. بدیهی است که پیروی از چنین روش جامعی، بدون چالش نخواهد بود. به منظور رفع این چالش ها و ایجاد ارتباط بین منافع و تخصص های موجود در نهادهای توسعه ای در بسیج جوامع محلی، نیاز به تغییر سیاست و ایجاد محیطی توانمند است، شرایطی که در طرح ترسیب کربن^۳ دشت حسین آباد غیناب در شهرستان سریشه استان خراسان جنوبی به مرحله اجرا درآمده است. هدف طرح این بوده که تخریب و زیان های وارده به منابع طبیعی را با مشارکت فعال جمعیت محلی و به ویژه زنان روستایی در راستای توسعه پایدار محلی جبران کند. به کارگیری جامعه زنان در این طرح، نشانه اهمیت جایگاه زنان و بحث مشارکت همگانی است. با توجه به این که طرح مورد نظر رابطه اکوسیستمی را بین کاهش گرمایش جهانی با احیای اراضی در مناطق خشک و نحوه مدیریت منابع محیطی با

1. Singh & Chandoke

2. World Bank

۳. به جذب دی اکسید کربن اضافی جو توسط اندام های هوایی و زیرزمینی گیاهان در خاک به منظور کاهش اثرات سوء پدیده گرمایش زمین، ترسیب کربن گفته می شود.

مشارکت مردم محلی در نظر دارد، در سطح محلی این طرح به منظور بسط و توسعه دیدگاه‌های مشارکتی در احیای مراتع و افزایش توان و ظرفیت ترسیب کربن و نیز بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی ساکنان محلی اجرا شده است. در این پژوهش سعی بر آن است تا به واکاوی مکانیزم مداخله و چگونگی عملکرد زنان روستایی در فرآیند توسعه پایدار توجه شود.

این پژوهش در پی پاسخگویی به سؤالات زیر بود:

زنان با چه مکانیزمی در روند توسعه پایدار روستایی شرکت داده شده‌اند؟

میزان عملکرد زنان در راستای کمک به توسعه پایدار روستایی چگونه بوده است؟

آنچه که نیاز به تأکید دارد، پیچیدگی محیط‌زیست است. چون به تعبیر بسیاری از صاحب‌نظران و اندیشمندان امروز، ما در عصری زندگی می‌کنیم، که از یک طرف با بحران، بحران‌ها مواجه هستیم و از طرف دیگر مشکلات فراوانی در پیش داریم، که دیدگاه‌های متفاوت را نسبت به آینده بشر در جهان امروز تقویت کرده است (قراگوزلو، ۱۳۸۴: ۱). امروز مسأله‌ای که برای انسان مهم است بهره‌برداری هرچه بیش‌تر از طبیعت و نیز حل مسأله تولید با افزایش تولید و با بهره‌گیری از آخرین دستاوردهای تکنولوژیک، استخراج هر چه بیش‌تر مواد خام و تبدیل آن‌ها به کالا و ایجاد نیاز کاذب و تبدیل نیاز کاذب به نیاز واقعی است (شوماخر^۱، ۱۹۶۷: ۶۱). لذا به خودی خود حفظ محیط طبیعی و استفاده مناسب از منابع موجود آن، معنا گرفته و بحث توسعه پایدار در جهت مدیریت و استفاده مطلوب از منابع طبیعی و متناسب با ارزش‌ها و اخلاق انسانی قوت می‌گیرد.

توسعه پایدار عبارت است از مدیریت بهره‌برداری بهینه و حفاظت از منابع کمیاب همراه با به‌کارگیری پیشرفت‌های تکنولوژیک در کلیه شئون تولیدی، اداری، انسانی، به‌طوری‌که ضمن تأمین نیازهای نسل کنونی، نیازهای نسل‌های آینده نیز به‌طور پایدار تأمین شود. در واقع توسعه پایدار به‌طور سیستماتیک همه چیز را در محیط زیست در پیوند با یکدیگر قرار می‌دهد. به همین دلیل لازم است، هر پدیده توسعه در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، زیست محیطی، متأثر از هم قرار گیرند. ملاحظه می‌شود که ابعاد اقتصادی، اجتماعی، زیست محیطی در امر توسعه پایدار بسیار مهم هستند که نادیده گرفتن هر بعد توسعه را ناکارآمد می‌کند (رحیمی،



۱۶:۱۳۸۳). عوامل تشکیل دهنده یک محیط سالم و مطلوب در سه بخش است، نیازهای بیولوژیکی، نیازهای اجتماعی و فرهنگی؛ که توسعه پایدار در جهت ایجاد روابط سیستماتیک بین آنهاست (پوتر و یونیون^۱، ۱۹۹۵: ۶۷).

توسعه پایدار مفهوم زیست محیطی هم عصر ماست، که امروزه در تمامی ابعاد به آن توجه شده است. با توجه به افزایش جمعیت در دهه‌های اخیر و افراط در بهره‌برداری از منابع طبیعی، توجه به توسعه پایدار و حفاظت منابع آب و خاک ضروری به نظر می‌رسد. مکانی که امروزه بیش‌تر بحث توسعه پایدار را نیاز دارد، نواحی روستایی و مشکلات موجود در رابطه با آنها همانند کاهش و از بین رفتن منابع طبیعی، کاهش کشت و زرع، به هم خوردن اکوسیستم محیط، افزایش مهاجرت‌ها در نتیجه عملکرد نامطلوب انسان و بسیاری از موارد دیگر است. لذا توسعه پایدار امروزه در پی ارائه شیوه‌های مناسب زندگی در سطح روستاها از طریق حفظ و تقویت پتانسیل‌های طبیعی و انسانی و هم‌چنین کاهش محدودیت آنهاست (شاراچاندار، ۱۳۸۲: ۵۱). نکته مهم در زمینه استفاده از منابع، ظرفیت یک منبع خاص بوده که بستگی به آن دارد که منبع را چگونه تعریف کنیم و از چه دیدگاهی به آن توجه شود در تعریف عام منبع طبیعی چیزی است که موجود زنده یا بوم به آن نیاز دارند و فایده‌آور است، اما در رابطه با امور انسانی اصل مفید بودن یا مضر بودن هر چیزی می‌تواند به خاطر تکنولوژی، اقتصاد و نحوه بهره‌برداری از محیط متغیر باشد (میلر، ۱۳۸۷: ۷). اینجاست که بحث توسعه پایدار روستایی معنا و نمود پیدا می‌کند. مهم‌ترین شرط شکل‌گیری توسعه روستایی پایدار، حفظ ارزش افزوده برای ساکنان بومی با توجه به استفاده از منابع و پتانسیل‌های بومی و حفظ آن برای نسل‌های آینده است. علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

بهره‌گیری بخشی از توسعه، یعنی توسعه محلی نیز برای ایجاد تغییرات در جوامع روستایی مهم است (فاو^۲، ۲۰۰۰: ۲۱). در واقع از آن جهت که مناطق روستایی کاملاً همانند و مشابه نیستند در نتیجه برای تمامی آنها راه‌حلی واحد نمی‌توان ارائه داد؛ در این حالت، پیگیری توسعه در سطح محلی، بهترین گزینه خواهد بود (موسلی^۳، ۲۰۰۴: ۱۲۴). از نگاه مشارکت‌باوران،

1. Potter & unwin
2. FAO
3. Moseley

افزایش مشارکت به معنای افزایش اعتماد به نفس بوده و این امر نیز توانمندسازی را به دنبال دارد و وقتی مردم محلی از توانمندی لازم بهره‌مند شدند، امکان کار جمعی فراهم می‌شود (چامبرز^۱، ۲۰۰۳: ۴۷). لذا پیگیری روند توسعه محلی و مشارکت با آنچه در منطقه مورد مطالعه اتفاق افتاده، انطباق کامل دارد. به این معنا که ابتدا ظرفیت‌سازی و ایجاد انگیزه در گروه‌های محلی بر اساس مشارکت ساکنان محلی انجام شده است. در مرحله بعدی، نسبت به تدوین و انطباق رویکرد برنامه‌ریزی استراتژیک اقدام شده است. بعد از این مرحله طرح‌ها و روش‌های جدید معرفی شده و با این روش‌ها سعی شده است، کاهش محرومیت‌های اجتماعی در دستور کار قرار گیرد و در نهایت با افزایش میزان سرمایه‌گذاری، امکان ارتقاء و توسعه طرح‌های گروهی و اجتماعی فراهم آید. در این پژوهش از چارچوب مفهومی و رویکرد توسعه محلی بهره‌برداری شده و شرایط و موقعیت‌های مورد نظر در این قالب تجزیه و تحلیل شده است.

حفاظت محیط زیست و توسعه پایدار نیازمند شیوه‌ای منظم و یکپارچه است که به دو عنصر انسان و طبیعت وابسته است که در این میان زنان نقش حیاتی در تربیت انسان و حفاظت محیط زیست دارند. توسعه پایدار بدون مشارکت نیمی از جمعیت جامعه (زنان) محقق نخواهد شد. این مسأله به ویژه در مناطق روستایی، که زنان در کلیه مراحل تولید نقش مؤثری دارند، ملموس‌تر است (کریستف و ودان^۲، ۲۰۰۹؛ کویچک^۳، ۲۰۱۱: ۱۲۸).

ساختار جمعیتی زنان به‌عنوان نیمی از اجتماع بشری، نیمی از انرژی، استعداد، پتانسیل و تفکرات بشری را در بر می‌گیرد که مستقیماً در تماس با مردان، نوجوان‌ها و کودکان هستند. زنان در بسیاری از مناطق روستایی ایران مدیرانی هستند که در سیستم‌های فراهم‌سازی سوخت‌های چوبی و آب نقش دارند و از یک پتانسیل قوی برای مشارکت در اقتصاد و درآمد خانواده بهره‌مند هستند. زنان روستایی در جهان بیش از ۳۰ درصد نیروی کار رسمی را تشکیل می‌دهند. ۶۰ تا ۹۸ درصد فعالیت‌های کشاورزی را انجام داده و حداقل ۵۰ درصد تولید مواد غذایی توسط زنان انجام می‌شود (جولی، ۱۳۷۶: ۹۳). اختصاص دو سوم اوقات بیداری

-
1. Chambers
 2. Kristof & WuDunn
 3. Kubichek



زنان روستایی به کارهای مولد بیان‌کننده حضور شایان توجه آن‌ها در صحنه فعالیت‌های اقتصادی روستاهاست. با وجود این نقش اساسی زنان روستایی در گسترش مناطق روستایی در بخش‌های کشاورزی، صنعت، خدمات و صنایع روستایی نادیده گرفته می‌شود. هرچند زنان در دستیابی به شاخص‌های توسعه محروم‌تر از مردان هستند، اما نقش کلیدی را در مدیریت توسعه اجتماعی و اقتصادی در روستاها به عهده دارند (رز،^۱ ۱۹۹۳: ۳۴؛ فانچینگگ،^۲ ۲۰۰۶: ۱۳۸). به این دلیل لازم است در مسائل توسعه روستایی به نقش و جایگاه این گروه توجه خاصی مبذول شود.

با توجه به نقش جنسیت در حفاظت و مدیریت بر منابع محیطی، امروزه دولت‌ها اهتمام جدی را در جهت تربیت زنان و دختران با آموزش‌های تخصصی آکادمیک به کار می‌گیرند، تا دانستی‌های این متخصصان در جهت مشارکت فعال زنان روستایی در فعالیت‌های زیست محیطی به کار گرفته شود، به طوری که حتی زنان نقش مؤثری را در اصلاحات ساختاری در جامعه روستایی بر عهده داشته باشند. چراکه تاکنون فرصتی برای ابراز مدیریت و تصمیم‌گیری درباره مسائل محیطی، اجتماعی و اقتصادی به آن‌ها داده نشده است (شریفی و مهدوی،^۳ ۲۰۰۴: ۱۴-۲۷). سرمایه‌گذاری برای زنان یعنی استفاده از منابع عظیم نیروی انسانی که دارای توانمندی‌های بالقوه پیشرفت است. بهبود مهارت تولیدی زنان می‌تواند به رشد، کارآمدی و کاهش فقر یاری رساند (کولایی و حافظیان، ۱۳۸۵: ۴۲).

دهه پایانی سده بیستم، شاهد افزایش بررسی و تحلیل عملکرد متقابل زن و محیط‌زیست و آثار جنسیتی سیاست‌های محیطی بوده است (جنت هنشل، ۱۳۸۷: ۲۱). تا قبل از دهه ۱۹۶۰ دیدگاه متخصصان و کارشناسان توسعه روستایی بر این نظر بود که دانش نوین و برتر، دقیق‌تر می‌تواند مسائل را در جوامع محلی مرتفع کند، اما به تدریج مفهوم توسعه مشارکتی در فرآیندهای توسعه روستایی گسترش یافت که بر اساس آن نقش جوامع محلی در فرآیند توسعه شکل گرفت؛ چنانچه امروزه کم‌تر کسی است که از نقش و اهمیت مشارکت‌های مردمی در عرصه‌های مختلف توسعه‌ای دیدگاهی منفی داشته باشد، اما نوع مواجهه و نگرش

-
1. Rose
 2. Fonchingong
 3. sharifi & mahdavi

نسبت به چگونگی مشارکت متفاوت و گاهی متضاد است (پادهسیتا و ناپاپرن، ۱۹۹۰: ۵۱).

در بعضی موارد ممکن است مردم کنترل مستقیم و کاملی در فرآیندهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی داشته باشند و در بعضی موارد نیز این کنترل به صورت جزئی یا غیر مستقیم است، اما مشارکت مهم‌ترین راهی است که مردم از طریق آن می‌توانند در قدرت و تصمیم‌گیری دخالت داشته باشند. مشارکت قطعاً اصطلاح جدیدی نیست، بلکه این مفهوم یکی از مفاهیم اساسی توسعه است که از سال ۱۳۳۹ و حتی قبل از آن نیز رواج داشته است. مشارکت عبارت است از یک استراتژی توسعه که مردم باید در آن نقش محوری داشته باشند. دیدگاه‌های گوناگونی در ارتباط با زنان و توسعه وجود دارد از قبیل دیدگاه رفاه، نگرش زنان در توسعه (WID)، دیدگاه جنسیت و توسعه (GAD)، زنان و توسعه (WAD)، دیدگاه مبتنی بر کارایی، نگرش مبتنی بر توانمندسازی، جنسیت و محیط (GED) و... هدف از نگرش زنان در توسعه، درگیر کردن زنان در توسعه اقتصادی از طریق اجرای طرح‌های درآمدزا برای زنان است. به نگرش مبتنی بر توانمندسازی در دهه ۱۹۸۰، برای بهبود مهارت و فعالیت‌های مشارکتی افراد ضعیف توجه شد. توانمندسازی وسیله‌ای برای تقویت کارایی و بهره‌وری بدون دگرگونی در وضعیت موجود تلقی می‌شود (وندانا، ۱۹۸۹: ۴۳؛ دنیس لویز، ۲۰۰۸: ۶۳).

در نظریه جنسیت و محیط، به وجود ارتباط اساسی بین زنان و محیط زیست و همچنین نقش زنان در برنامه‌های زیست محیطی تأکید شده است. سازمان جهانی در دهه ۱۹۶۰ برای اولین بار زن‌ها را در برنامه‌های اقتصادی به‌عنوان عامل مؤثر در توسعه معرفی کرد. در دهه سوم، توسعه برنامه‌های اقتصادی، رشد فعالیت زنان به سطح بالایی رسید و به زنان به خاطر توانایی آن‌ها در تولید و درآمد توجه شد. گزارش‌ها حاکی از آن است که توسعه بدون حضور زنان مشکل یا حتی غیرممکن است (بانک جهانی، ۱۹۸۵: ۳۷).

سازمان کشورهای مشترک‌المنافع بریتانیا برنامه‌ای برای زن و توسعه در سال ۱۹۸۰ به اجرا گذاشت که از سوی کشورهای عضو حمایت شد. در بخش‌های مختلفی سازمان‌ها و شبکه‌های زنان در سطوح ملی و اجتماعی، نقش بسیار مهمی در معرفی و اجرای برنامه‌های

1. Podhisita & Napaporn
2. vandana
3. Denise Lopes



توسعه داشته‌اند. مهم‌تر اینکه دههٔ زنان (۱۹۷۶-۱۹۸۵)، این نگرش را پدید آورد که تنظیم سند موقعیت زنان در سراسر جهان نیازمند گردآوری اطلاعات و تحقیقات است (جنت هنشل، ۱۳۸۷: ۱۰).

نظریه‌ای مبتنی بر نوعی ارزیابی از طرح‌های توسعهٔ روستایی در کشورهای رو به توسعه حاکی است که بیش‌تر فعالیت‌های توسعهٔ روستایی با موفقیت مواجه نبوده‌اند. این نظریه، نارسایی اساسی طرح‌های توسعهٔ روستایی رایج را در فقدان مشارکت زنان روستایی در برنامه‌ریزی توسعه‌ای می‌داند و تأکید دارد اکثریت وسیعی از زنان روستایی فاقد تشکیلات و سازمانی برای بیان خواسته‌های خود بوده‌اند. آن‌ها فاقد آگاهی برای دستیابی به امکانات و دسترسی بیش‌تر به منابع و بازار و غیره هستند و در نهایت این نظریه نتیجه‌گیری می‌کند تنها از طریق مشارکت کامل و فعال زنان روستایی، توسعهٔ روستایی مفهوم واقعی خود را می‌یابد (عفتی، ۱۳۷۹: ۳۵).

در مطالعهٔ دیگری چنین بیان شده است که توسعهٔ پایدار بر سه اصل عمدهٔ پایداری بوم‌شناختی، پایداری فرهنگی و اجتماعی و پایداری اقتصادی استوار است و شرکت و تعهد کلیهٔ گروه‌های اجتماعی (زنان، مردم بومی، سازمان‌های غیر دولتی و...) شرط لازم برای اجرای مؤثر اهداف و راه کارهای توسعه عنوان شده است. همچنین با اشاره به نقش ویژه زنان روستایی در احیای منابع طبیعی، بازسازی و حفظ جنگل‌ها و جلوگیری از آلودگی‌های زیست محیطی، نمونه‌هایی از این مشارکت در ایران و کشورهای دیگر مطرح می‌شود. همچنین تجربهٔ گرامین بانک در بنگلادش و بسیاری از مؤسسات اعتباری در دنیا و آسیا نشان می‌دهد که زنان به عنوان عاملان پس‌انداز و به حرکت درآورندهٔ سرمایه‌های کوچک روستایی به مراتب بهتر و دقیق‌تر از مردان به نفع جامعه و خانواده اقدام می‌کنند (عمادی، ۱۳۷۹: ۴۲).

بانفیگیولی^۱ معتقد است که زنان کنش‌گران مهمی در فعالیت‌های اقتصادی شمرده نمی‌شوند و تحت سلطهٔ مردان دیده شده‌اند و معمولاً مشارکت و بهره‌گیری آن‌ها از طرح‌ها نادیده گرفته می‌شود (بانفیگیولی، ۱۹۹۹: ۲۵). جزایری معتقد است مشارکت زنان روستایی در امر توسعه اقتصادی و سیاسی در سه سطح مطرح است: اول سطح اجتماعی و ملی که سهم آن‌ها را در تولید کالاهای تجاری و غیرتجاری مشخص می‌کند. دوم سطح خانوار که به تولید

خوراک، پوشاک، سوخت و... مبادرت می‌ورزند و سوم سطح درون نسلی که به مراقبت و تأمین نیازهای آموزشی و عاطفی فرزندان اقدام می‌کنند (جزایری، ۱۳۷۶: ۴۷). از نظر دابسون‌گری وابستگی و نزدیکی زیاد بین زنان و طبیعت بر مبنای زیست‌شناختی وجود دارد. به نظر او به علت چرخه تولید مثل، طفره رفتن از حس پیوند با جهان طبیعی برای زنان دشوارتر است. هندرسون نیز معتقد است که تجربه زندگی زنان به آن‌ها در زمینه کسب حساسیت‌های بوم‌شناختی امتیاز اولیه را می‌دهد (دابسون، ۱۳۷۷: ۳۰۰-۳۰۱).

در هندوستان زنان به‌طور مستقیم و غیرمستقیم نقش مهمی در امر توسعه کشاورزی و مدیریت منابع طبیعی دارند و به نسبت مساوی در تصمیم‌گیری‌ها دخیل هستند. در کلیه طرح‌ها اهداف در راستای ارتقای توسعه اقتصادی، حفظ تعادل اکولوژیکی و با تأکید خاص بر بهبود وضعیت اقتصادی و شرایط اجتماعی با توجه به محدودیت منابع و هم‌چنین توجه ویژه به زنان روستایی تنظیم شده است. زنان روستایی به‌عنوان اولین گردآورندگان دانش گسترده استفاده از منابع زیست محیطی هستند و به این دلیل در مدیریت منابع محلی نقش کلیدی دارند. در یک مطالعه تحقیقاتی در کشور هندوستان که با تأکید بر راه‌اندازی و توسعه صندوق‌های خرد اعتباری و با همکاری زنان شاغل، انجمن‌های خیرین روستایی (VWS)، مؤسسات کوچک زنان (WWF) و اقشار ضعیف و کم‌درآمد و شعب خرد اعتباری بانک‌های این کشور محقق شد، از فعالیت این صندوق‌ها به‌عنوان ایده‌ای نوین و گامی مؤفق در راستای غلبه بر چالش‌های اقتصادی یاد شده است. عمده‌اعضاء این صندوق‌ها افراد با درآمد متوسط و پایین هستند که در راه‌اندازی و فعالیت آن زنان نقش عمده‌ای داشته‌اند. هدف اصلی از راه‌اندازی این صندوق‌ها، ارائه خدمات و آموزش به افراد در راستای بهبود، تنوع و افزایش تولید، ارتقاء معیشت و افزایش سطح درآمد و اقتصاد خانواده‌ها از طریق اعطای وام‌های کوچک و در نهایت بهبود سلامت و بهداشت افراد جامعه است (سیف‌اللهی، ۱۳۸۱: ۶۳؛ مارونی، ۲۰۱۲: ۷۰).

تجربیات مؤفق جهانی در زمینه توانمندسازی زنان روستایی در راستای پیشرفت و ارتقاء سطح آگاهی این قشر از جوامع روستایی در مناطق مختلف از جمله کشور آفریقای غربی، هندوستان و ایالت پنجاب کشور پاکستان و همچنین کشور ما گویای اهمیت مسأله است. یکی



از طرح‌های موفق در ایران اجرای طرح ترسیب کربن در دشت حسین آباد شهرستان سریشه با همکاری صندوق توسعه سازمان ملل متحد و دولت ایران است. در این طرح نه تنها از طریق احیا مراتع تخریب شده به حفظ محیط زیست کمک شده، بلکه با ایجاد تعاونی‌های همیار در بین اهالی آبادی‌های منطقه، منجر به تقویت روحیه مشارکت مردمی در امر توسعه پایدار نواحی روستایی شده که در این میان سهم زنان روستایی شایان توجه بوده است.

روش پژوهش

این پژوهش به روش پیمایشی انجام شد و از تکنیک‌های مصاحبه و تهیه پرسشنامه استفاده شد. جامعه آماری پژوهش، ۲۵ گروه توسعه روستایی در ۱۵ روستای دشت حسین آباد غیناب با تعداد ۹۲۹ عضو واقع در شهرستان سریشه بود، که به روش همه شماری سنجیده شد. جمع‌آوری داده‌ها بر اساس تکمیل و تنظیم اهداف مدنظر و در جهت دستیابی به اطلاعات مربوط به خانوار و گروه‌های توسعه، به صورت کارشناسانه در قالب سؤالات جامع در قالب پرسشنامه‌های خانوار، گروه‌های توسعه روستایی و ارزیابی وام‌های اعطا شده از طرف طرح و صندوق‌های خرد اعتباری گنجانده شده است. برای تعیین اعتبار پرسشنامه گروه‌های توسعه روستایی با توجه به پیش‌آزمون انجام شده ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۹ به دست آمد که نشان‌دهنده اعتبار بالای سؤالات پرسشنامه است. پس از اعتبار و روایی پرسشنامه‌ها، به تشکیل جلسه و گفتگو با رؤسا و منشی‌های گروه‌های توسعه روستایی اقدام شد و پس از توضیح شاخص‌های پرسشگری برای رؤسا و منشی‌ها، نسخه‌ای از پرسشنامه خاص گروه‌های توسعه روستایی در اختیار آن‌ها قرار داده شد تا در جلسات مربوط به گروه‌های توسعه روستایی، شاخص‌ها برای اعضا مشخص شود و در نهایت با حضور تیم کارشناسی به جمع‌آوری داده‌ها از طریق ابزار پرسشنامه مبادرت شد که این داده‌ها ثبت و در نرم‌افزار SPSS تجزیه و تحلیل شد.

معرفی اجمالی محدوده جغرافیایی اجرای پروژه

حوضه آبریز دشت حسین آباد غیناب با مساحت ۱۴۴۰۰ هکتار در محدوده سیاسی شهرستان سریشه در استان خراسان جنوبی واقع شده است. این حوضه از شمال به دشت

پهواز، از جنوب به کوه‌های دوکوله، از غرب به کوه‌های شول سرخ و از شرق به کوه‌های رضا محدود است. این دشت در معرض فرسایش شدید ناشی از بادهای ۱۲۰ روزه سیستان است که سبب بروز خسارت‌های عمده‌ای به پوشش گیاهی طبیعی، مزارع و محصولات کشاورزی می‌شود. مسأله دیگر در این منطقه خشکسالی طولانی مدت است که اثرات اقتصادی و اجتماعی منفی شدیدی بر زندگی مردم روستایی منطقه گذاشته است. در این دشت حدود ۳۲ آبادی با جمعیتی حدود ۸۰۰ خانوار با بعد ۴/۷ نفر مستقر است؛ که از تعداد کل جمعیت منطقه، ۵۱/۶۳ درصد را جمعیت زنان به‌خود اختصاص داده است. معیشت آن‌ها عمدتاً از طریق دامداری و فعالیت‌های زراعی محدود تأمین می‌شود. محدوده جغرافیایی مورد مطالعه ۱۵ آبادی در محدوده سامان عرفی روستاها که در حال احیاء از سوی طرح ترسب کربن است و شامل آبادی‌های نازدشت، دوغ، حسن کلنگی، تاج میر، شهید اصفهانی، چاه مدرس، کندرود، بهامرز، توتک، همت‌آباد، حسین آباد غیناب، پرنگ، چاه افشین، چاه افضل حسینی و چاه خشکان است.

یافته‌های پژوهش

پژوهش‌ها نشان داده است که در منطقه دشت حسین‌آباد غیناب سریش‌ساز مشارکت زنان روستایی نقش مؤثر و مهمی در پیشبرد اهداف طرح و موفقیت بالای برنامه‌ها و پروژه‌ها و توانمندسازی زنان و رفع تبعیض‌های جنسیتی داشته است که به اهم این نتایج اشاره می‌شود:

۱ - ساختار گروه‌های توسعه روستایی و عملکرد اعتباری آن‌ها

لازمه مشارکت مردم و مدیریت مشارکتی وجود زیرساخت‌های مشارکتی لازم است. برای نهادینه شدن این مهم در زمان شروع طرح پس از تشکیل جلسات متعدد توجیهی و آموزشی و ایجاد انگیزه لازم برای تشکیل یک سازمان اجتماعی در پی گذر زمان و برنامه‌های متعدد، به تدریج گروه‌های توسعه روستایی (VDG^۱) متشکل از گروه‌های منفک زنان، مردان و مختلط با مدیریت رؤسا، اغلب افراد ذی‌نفوذ و مقتدر، و منشی‌های گروه شکل گرفت. نظر به ساختار طایفه‌ای روستاهای منطقه، رؤسای گروه‌های توسعه از افرادی انتخاب شده‌اند که مردم در

1. Village development Groups



احترام و تابعیت از آن‌ها متفق هستند؛ هر چند این افراد از سواد خواندن و نوشتن نیز بهره‌مند نباشند. منشی‌های گروه‌های توسعه روستایی از افراد باسواد و مورد اعتمادی انتخاب شده‌اند که وظیفه اصلی آن‌ها در گروه انجام دادن فعالیت‌های اداری و مالی مانند تشکیل زمان و مکان برگزاری جلسات، تنظیم صورت جلسه‌ها، جمع‌آوری پس‌انداز اعضا و ثبت آن در دفاتر مالی و دفترچه پس‌انداز اعضا و مشخص کردن اعضای واجد شرایط برای دریافت وام از طرح یا صندوق خرد اعتباری است.

در ابتدای شکل‌گیری گروه‌های توسعه روستایی، ۲۵ گروه تشکیل شد که در قالب ۷ گروه ویژه زنان، ۷ گروه ویژه مردان و ۱۱ گروه مختلط (زن و مرد) سازماندهی شدند. تشکیل این گروه‌ها از بزرگ‌ترین دستاوردهای طرح محسوب می‌شود که اولاً نفوذ در ساختار اجتماعی این روستاها با وجود شرایط مذهبی متفاوت (شیعه و سنی) و حاکمیت شدید تعصبات دینی و عرفی بالاخص برای ورود زنان و دختران روستایی به فعالیت‌های مشارکتی کار بسیار مشکل و طاقت‌فرسایی بوده است؛ چرا که تا حدود زیادی مقاومت جامعه مردسالارانه را به دنبال داشت. ثانیاً مشارکت زنان بخش مهمی از مسائل پیش رو را در تحقق اهداف طرح مرتفع ساخت و چنانچه مردم روستاها اهمیت این سرمایه مهم اجتماعی، حاصل تلاش گروهی را دریابند می‌توانند در پایداری فعالیت‌های توسعه‌ای در آبادی‌های خود نقش مهم و اساسی را داشته باشند.

در داخل گروه‌های توسعه روستایی بر اساس انتخاب هدف اصلی آموزش مهارت‌های لازم برای زنان، به‌عنوان یکی از ابزارهای اساسی اشتغال و درآمدزایی، بود. به‌منظور تأمین سرمایه اولیه برای کار بر مبنای فعالیت‌های پیشنهادی و مورد توجه گروه، از صندوق‌های اعتباری خرد^۱ متشکل از پس‌اندازهای کوچک افراد عضو گروه استفاده شد که طی نشست‌های دو هفته‌ای مشورتی انجام می‌شود و با گردش این اعتبارات کوچک، فرصت‌های دیگری برای جامعه محلی مهیا شد. به علاوه طرح با اعطای وام تولیدی به اعضای گروه‌ها، بر حسب تقاضای آن‌ها و مواردی مانند میزان مشارکت در جلسات و میزان پس‌انداز در صندوق‌های خرد اعتباری، زمینه فعالیت‌های بیش‌تری را فراهم کرده است.

سازماندهی جوامع محلی موجبات تحرک و توانمندسازی را فراهم کرده به‌طوری که

علاوه بر مسأله آموزش و آگاه‌سازی، بازدیدهای میدانی و ترویجی مورد نیاز را نیز برای اعضای گروه موجب شده است تا از این طریق با فعالیت‌های تولیدی جدید در سایر مناطق آشنا شوند.

تشکیل نهادهای وام‌دهنده در روستا اهمیت بسیار را دارد، زیرا افزایش تعداد و مبلغ وام‌ها سبب افزایش سطح تولید می‌شود و امکان افزایش سطح فناوری واحدهای تولیدی را فراهم می‌کند و این دو عامل درآمد روستاییان را بالا می‌برد که در نتیجه سطح رفاه آن‌ها افزایش می‌یابد و از سوی دیگر زمینه را برای اشتغال‌زایی مناسب فراهم می‌کند.

جلب مشارکت زنان از نکات بارز این حرکت است. آن‌ها نه تنها در گروه‌ها متشکل شده‌اند، بلکه با تشکیل صندوق‌های اعتباری خاص خود یا مختلط با مردان، نقش مهمی را برای همیاری در فعالیت‌های مرتبط با احیاء عرصه‌های منابع طبیعی به عهده دارند. این واگذاری مسئولیت به مردم محلی در راستای خود اتکایی و مسئولیت‌پذیری بیش‌تر در جهت مدیریت و نظارت بر احیای منابع طبیعی، تأمین معیشت، اشتغال و درآمد و پیگیری امور مربوط به خود سبب شده است تا فضای فکری جدیدی بر محیط آبادی‌ها حاکم شود. اولویت این صندوق برای اقشار کم درآمد و زنان روستایی برای رونق فعالیت‌های اشتغال‌زا است.

در میان ۲۵ گروه توسعه روستایی، ۷ گروه توسعه زنان روستایی، فعال‌ترین گروه‌ها بوده‌اند؛ به طوری که صندوق‌های خرد اعتباری این گروه‌ها توانسته‌اند همپای صندوق‌های خرد اعتباری مردان یا گروه‌های مختلط زن و مرد فعالیت کنند. میزان پس‌انداز این ۷ گروه در حال حاضر ۱۰۶۳۳۱۲۵ تومان است که ۳۵ درصد کل مبلغ پس‌انداز ۲۵ گروه توسعه روستایی را تشکیل می‌دهد. هم‌چنین با احتساب میزان پس‌انداز صندوق‌های خرد اعتباری گروه‌های مختلط (زن و مرد) میزان پس‌انداز زنان به ۱۸۲۲۵۰۰۰ تومان می‌رسد که ۶۰ درصد کل پس‌انداز صندوق‌های خرد اعتباری ۲۵ گروه توسعه روستایی را تشکیل می‌دهد. حاصل این پس‌اندازها برقراری گرش مالی برای فعالیت‌های تولیدی و خدماتی برای اعضای گروه‌های توسعه روستایی بوده است.



جدول ۱: روند تغییرات شاخص‌های صندوق‌های خرد اعتباری زنان از سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۸ (ارقام به ریال)

عنوان	سال ۱۳۸۵	سال ۱۳۸۶	سال ۱۳۸۷	سال ۱۳۸۸
میزان افزایش پس‌انداز کل صندوق‌ها	۳۸۱۵۶۰۰۰	۵۵۷۶۱۵۰۰	۹۲۲۲۲۵۰۰	۱۰۶۳۳۱۲۵۰
متوسط پس‌انداز ماهیانه صندوق‌ها	۱۲۳۵۶۷۰	۱۴۶۷۱۲۰	۳۰۳۸۴۱۰	۴۱۲۳۲۱۰
میزان متوسط پس‌انداز هر صندوق توسعه	۲۷۲۵۴۳	۲۵۱۵۰۷۰	۵۲۰۸۷۱۰	۲۰۱۵۵۳۰
میزان سرانه پس‌انداز هر عضو گروه توسعه زنان	۶۶۰۱۰	۶۰۹۲۰	۱۲۱۵۳۰	۴۹۵۰۰
متوسط پس‌انداز هر عضو صندوق گروه توسعه	۲۷۵۰	۲۵۳۰	۵۰۶۰	۱۹۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش

در جامعه مورد مطالعه که از طریق فعالیت‌های فرهنگی - آموزشی و ترویجی برای ایجاد مهم‌ترین نهاد جامعه مشارکتی یعنی گروه‌های توسعه مدت زیادی صرف شده است؛ اطمینان از اینکه مردم با چه انگیزه‌ای عضویت در گروه‌ها را پذیرفته‌اند، حائز اهمیت است. بر اساس نتایج حاصله از نظرسنجی انجام شده از ۲۵ گروه توسعه روستایی، ۷۱ درصد از مردم عضویت در گروه‌ها را با اراده خود و مبتنی بر تصمیم شخصی پذیرفته‌اند که این پشتوانه خوب و رضایت بخشی برای پایداری فعالیت گروه‌ها است.

۲ - بررسی وضعیت وام‌های تولیدی و غیرتولیدی از طرح و صندوق‌های خرد اعتباری

یکی از اهداف ایجاد صندوق‌های اعتباری خرد گروه‌های توسعه روستایی این است که از طریق کمک‌های صندوق فعالیت‌های تولیدی و امرار معاش اعضای خود را مستقلاً تأمین کند، لذا در هر یک از گروه‌های توسعه روستایی تعدادی از اعضاء، که آموزش‌های لازم را دیده‌اند، با دریافت وام، طرح‌های اشتغال‌زا را اجرا می‌کنند. طرح ترسیب کربن نیز با توجه به فقر و سرمایه کم مالی مردم از طریق اعطای تسهیلات مالی در قالب وام برای تعدادی از افراد در گروه‌های توسعه روستایی امکانات اشتغال را ایجاد و سعی کرده که گروه‌های توسعه روستایی را در این جهت مساعدت کند.

جدول ۲: وضعیت وام‌های تولیدی اعطا شده به اعضای گروه‌ها از طرح و صندوق‌های خرد اعتباری در طی سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۸۸

عنوان	سال	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	جمع
تعداد کل وام‌های تولیدی اعطا شده		۹۴	۱۰۰	۹۹	۱۰۴	۳۹۷
تعداد وام‌های تولیدی از طرح		۸۲	۸۷	۷۹	۷۰	۳۱۸
درصد وام‌های تولیدی از طرح		%۸۷	%۸۷	%۷۹/۸	%۶۷/۳	%۸۰
تعداد وام‌های تولیدی از صندوق‌های خرد اعتباری		۱۲	۱۳	۲۰	۳۴	۷۹
درصد وام‌های تولیدی از صندوق‌های خرد اعتباری		%۱۳	%۱۳	%۲۰/۲	%۳۲/۷	%۲۰
تعداد وام‌های تولیدی اعطا شده به زنان		۵۱	۵۳	۵۸	۶۱	۲۲۳
درصد تعداد وام‌های تولیدی اعطا شده به زنان		%۵۴/۲	%۵۳	%۵۹	%۵۹	%۵۶/۲

منبع: یافته‌های پژوهش

بخش عمده وام‌های تولیدی ارائه شده در سنوات مختلف به اعضای گروه‌های توسعه روستایی زنان برای فعالیت‌های قالبیافی، پرورش طیور، پرواربندی دام سبک، پرواربندی دام سنگین و گاو شیری، تابلو فرش، پرورش مرغ و بوقلمون، پرورش زنبور عسل، مکرمه بافی، بافندگی و خیاطی هزینه شده است.

بررسی نوع وام‌های تولیدی نشان می‌دهد که تغییر شایان توجهی بالاخص در جهت گرایش به سوی پرواربندی دام سنگین و پرورش گاو شیری وجود داشته است؛ به طوری که میزان وام‌های اعطایی از ۴/۸ درصد قبل از سال ۱۳۸۷ به ۱۳/۱ درصد در سال ۱۳۸۷ افزایش داشته است. از سوی دیگر کاهش زیادی در ارائه وام‌های پرواربندی دام سبک رخ داده است به طوری که این میزان از ۳۳ درصد در قبل از سال ۱۳۸۷ به ۱۳ درصد در سال ۱۳۸۷ کاهش یافته است. علت اصلی این مسأله تغییر جهت طرح در ارائه وام‌های پرواربندی دام سبک بوده است، زیرا عملاً این دام‌ها به جای نگه‌داری در آغل توسط وام گیرندگان به گله‌داری پیوسته و از علوفه مراتع استفاده می‌کرده‌اند که خود باعث فشار بیش‌تر دام بر مراتع می‌شد.

وام‌های غیرتولیدی برای تأمین مخارج زندگی اعضای اغلب کم درآمد و فقیر گروه‌ها است. خرید تنور گازی پخت نان، کماچ پز، کپسول گاز، مخارج ازدواج، تعمیرات مسکن،



هزینه‌های درمان و... از جمله مواردی است که اعضای گروه‌های توسعه روستایی از صندوق‌های خرد اعتباری وام دریافت کرده‌اند. صندوق‌های خرد جایگاه اعتباری اعتمادپذیری را بالاخص در هنگام نیازهای ضروری برای اعضای گروه‌های توسعه ایجاد کرده است. بررسی وضعیت بازپرداخت وام‌های تولیدی نیز نشان می‌دهد که ۱۲/۲ درصد اعضای گروه‌های توسعه زنان بازپرداخت وام‌های دریافتی را بدون تأخیر، ۶۵/۸ درصد با تأخیر بین ۱ تا ۴ ماه و ۲۲ درصد با تأخیر بیش از ۴ ماه انجام داده‌اند. علت این مسأله مربوط به افزایش ناچیز مبلغ دیرکرد وام یا مشکلات مربوط به بازاریابی برخی از تولیدات بوده است.

۳- وضعیت نوع اشتغال‌زایی وام‌های تولیدی ارائه شده از سوی صندوق‌های خرد اعتباری

از اهداف عمده طرح در بخش اقتصادی ایجاد اشتغال‌های جنبی و پاره‌وقت برای جامعه محلی بالاخص زنان روستایی بوده است؛ به طوری که آن‌ها بتوانند نه تنها به معاش خانواده کمک کنند، بلکه تا حد ممکن گسترش فعالیت‌های تولیدی و صرف وقت اعضای فعال خانوار بر فعالیت عمده آن‌ها یعنی دامداری اثر گذاشته و از این طریق به کاهش تعداد دام منجر شود که به دنبال خود اثرات مثبتی بر کاهش فشار دام بر مراتع داشته باشد.

بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد که در سال‌های ۱۳۸۵ - ۱۳۸۸ برای ۴۹۴ نفر از اعضای گروه‌های توسعه روستایی اشتغال پاره‌وقت ایجاد شده است، که ۲۷۵ مورد (۵۶ درصد) آن اختصاص به زنان و ۲۱۹ مورد آن (۴۴ درصد) مربوط به مردان است، لذا وام‌های تولیدی در اشتغال پاره وقت زنان تأثیر بیش‌تری داشته است. بیش‌ترین تأثیرگذاری نوع وام‌های تولیدی در اشتغال زنان به ترتیب مربوط به قالیبافی (۹۵مورد)، بافندگی و خیاطی (۳۶مورد)، پروار بندی دام سنگین (۲۵مورد)، پروار بندی دام سبک (۳۷مورد) و پرورش مرغ و بوقلمون (۷مورد) بوده است.

جدول ۳: اشتغال پاره وقت از طریق وام‌های تولیدی طرح و صندوق‌های خرد در سال ۱۳۸۵-۱۳۸۸

سال	کل اشتغال	زنان	مردان
۱۳۸۵	۹۵	۴۹	۴۶
۱۳۸۶	۱۲۵	۸۰	۴۵
۱۳۸۷	۱۵۲	۸۲	۷۰
۱۳۸۸	۱۲۲	۶۴	۵۸
جمع	۴۹۴	۲۷۵	۲۱۹
درصد	۱۰۰	۵۶	۴۴

منبع: یافته‌های پژوهش

از لحاظ وضعیت درآمدزایی وام‌های تولیدی ۲۱ درصد از وام‌گیرندگان درآمد حاصله از فعالیت تولیدی را خوب ارزیابی کرده‌اند که شامل وام دریافتی برای قالی‌بافی، پروار بندی دام سبک و سنگین و سایر موارد است. ۴۱ درصد وام‌گیرندگان درآمد طرح‌های تولیدی خود را متوسط ارزیابی کرده‌اند. ۲۴/۷ درصد وام‌گیرندگان درآمد حاصله را کم ارزیابی کرده و ۲۱ درصد وام‌گیرندگان، طرح‌های تولیدی را فاقد درآمد عنوان کرده‌اند که بیش تر به طرح‌های به مرحله بهره‌برداری نرسیده مربوط است.

یکی از اثرات مهم فعالیت‌های تولیدی و اشتغال‌زای طرح در منطقه، کاهش سرانه تعداد دام خانوارها است. هر چند شرایط اقلیمی به نحو بارزی در کنترل تعداد دام در منطقه مؤثر است، اما نباید نقش فعالیت‌های جنبی اقتصادی مردم را در کاهش سرانه دام خانوارها نادیده گرفت به طوری که سرانه تعداد دام هر خانوار از ۴۴/۱ در سال ۱۳۸۵ به ۳۸/۱ رأس دام در سال ۱۳۸۸ کاهش یافته است. نظر به اینکه سامان عرفی چرای دام ۱۵ روستای منطقه طرح ۵۴۹۰۴ هکتار است. در حال حاضر تعداد دام سبک آبادی‌ها ۱۷۴۵۰ رأس است که به‌رغم کاهش حدود ۲۹۴۰ رأس نسبت به سال ۱۳۸۵، اما با توجه به ظرفیت تولید مراتع محدوده سامان عرفی روستاها که پذیرش ۹۶۵۴ رأس دام را دارد، تعداد ۷۷۹۶ رأس دام مازاد وجود داشته که باید به نحوی از عرصه مراتع حذف شوند.

۴- بررسی فعالیت‌های آموزشی-تولیدی طرح برای زنان

به‌طور کلی حدود ۲۰ نوع فعالیت از طرف طرح ترسیب‌کربن برای آموزش اعضای



گروه‌های توسعه روستایی اجرا شده که از کل ۲۹۹ افراد شرکت کننده در این کلاس‌ها، ۱۵۲ نفر از آن‌ها زنان روستایی بوده‌اند. ۸۰٪ این آموزش‌ها مربوط به فعالیت‌های درآمدزا و ۲۰٪ دیگر مربوط به ساختارسازی و مدیریت منابع بوده است. در ارتباط با تفکیک جنسیتی در امر آموزش بررسی‌های انجام شده نشان داد که بر آموزش زنان با توجه به علایق متفاوت آن‌ها از سوی طرح تأکید بیش‌تری شده است، به طوری که حدود ۹۰٪ فراگیران آموزشی از اعضای گروه‌های توسعه زنان روستایی هستند.

تجزیه و تحلیل فعالیت‌های تولیدی گروه‌های توسعه روستایی که از محل طرح یا صندوق‌های خرد اعتباری وام دریافت کرده‌اند، نشان می‌دهد که ۴۲٪ وام گیرندگان فعالیت‌های تولیدی، قبلاً از سوی طرح آموزش دیده‌اند که بیش‌ترین این آموزش‌ها در زمینه بافندگی، خیاطی، گلدوزی، قالببافی، پرورش مرغ بومی و بوقلمون، پرواربندی دام سبک و سنگین و ... است. بررسی‌های به عمل آمده در منطقه درخصوص برگزاری کلاس‌های آموزشی متعدد در راستای اهداف طرح ترسیب کربن نشان داده است که بیش از ۷۰ درصد زنان رضایت بسیار زیادی از برگزاری این دوره‌ها داشته و متقاضی برگزاری دوره‌های بیش‌تر و متنوع‌تر در روستاهای منطقه طرح هستند.

جدول ۴: جدول نظرسنجی از زنان درباره تأثیر آموزش در کسب مهارت برای فعالیت‌های تولیدی

تأثیر آموزش در میزان مهارت	سال ۱۳۸۵		سال ۱۳۸۶		سال ۱۳۸۷		سال ۱۳۸۸	
	فرآوانی	درصد	فرآوانی	درصد	فرآوانی	درصد	فرآوانی	درصد
بدون تأثیر	۳	۱۳/۶	۳	۸	۲	۳/۲٪	۶	۷/۵
کم	۵	۲۱/۷	۴	۱۰	۷	۱۱/۳٪	۱۱	۱۳/۸
متوسط	۴	۱۸/۲	۱۱	۲۸	۲۱	۳۳/۹٪	۲۴	۳۰
زیاد	۱۵	۶۸/۱	۲۱	۵۴	۳۲	۵۱/۶٪	۳۹	۴۸/۷
جمع کل	۲۲	۱۰۰	۳۹	۱۰۰	۶۲	۱۰۰٪	۸۰	۱۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش

باتوجه به این که اکثر افراد آموزش دیده برای کسب مهارت‌های شغلی را گروه زنان تشکیل داده‌اند، لذا این گروه از برگزاری دوره‌ها و کارگاه‌های آموزشی استقبال بیش‌تری

کرده‌اند. به طوری که ۷۷/۷ درصد از فراگیران آموزشی را، افراد علاقه‌مند به کسب مهارت بیش‌تر تشکیل داده‌اند. هم‌چنین ۷۳/۱ درصد زنان از برگزاری کلاس‌ها در روستای خودشان حمایت می‌کنند.

۵- مشارکت زنان در امر حفاظت و مدیریت عرصه‌های منابع طبیعی و محیط زیست

یکی از اهداف مهم این طرح در راستای بهبود وضعیت محیط‌زیست و عرصه‌های منابع طبیعی، تلاش ویژه در جهت ایجاد انگیزه لازم در مردم محلی منطقه برای احیاء و مدیریت مراتع بوده است. در این خصوص جوامع محلی در قالب گروه‌های توسعه روستایی در امر جمع‌آوری بذر، تولید نهال و کاشت نهال همکاری لازم را نشان داده و در یک حرکت خودجوش مساحت زیادی از عرصه‌های مرتعی منطقه را نهال‌کاری کرده‌اند. در این میان نقش گروه‌های توسعه زنان نیز شایان توجه بوده است که عمدتاً در بخش تولید نهال و خزانه و فعالیت‌های احیایی متمرکز می‌شود. شایان توجه است که این‌گونه فعالیت‌ها از مهم‌ترین منابع ایجاد اشتغال و درآمدزایی در منطقه برای زنان به‌شمار می‌آید.

در سال‌های اجرای طرح بیش از ۱۵۰۰۰۰ اصله نهال از گونه‌های ریشه‌لخت تاغ، نهال گلدانی آتریپلکس و نهال تاغ گلدانی تولید شده است. علاوه بر این حدود ۱۱ تن بذر آتریپلکس را نیز روستاییان جمع‌آوری کرده‌اند که عمدتاً این بذور برای بذرکاری و کاشت در مناطق احیاء توسط زنان انجام شده است. آن‌ها طی قرارداد با طرح در ازای هر کیلو بذر قیچ میل ۵۰۰ تومان، بذر کندل (کما) ۷۰۰ تومان و بذر تاغ و آتریپلکس مبلغ ۲۰۰ تومان دریافت می‌کنند. هم‌چنین در صورت تمایل به جای پول می‌توانند معادل مبلغ ریالی جو برای خوراک دام‌ها دریافت کنند. زنان در آبیاری و حفاظت از منطقه کاشت نیز همکاری فراوانی داشته‌اند. از ابتدای طرح مجموعاً ۱۰۷۱۹ نفر از جامعه محلی در نهال‌کاری مشغول بوده‌اند که ۶۴ درصد مردان و ۳۶ درصد زنان بوده‌اند. آن‌ها عمدتاً در نهالستان فعالیت‌های نه‌چندان سخت مانند آماده‌سازی پلاستیک‌های بذرکاری، بذرکاری، آبیاری و مراقبت را انجام می‌دادند.

۶- نقش زنان در استفاده از سوخت‌های جایگزین

بحث دیگری که در این طرح بسیار چشمگیر بوده محدود کردن استفاده از انرژی حاصل



از سوخت‌های گیاهی و تغییر فرهنگ مصرف سوخت است که به حفظ عرصه‌های منابع طبیعی و کاهش بوته‌کشی از مراتع منجر شده است. در این میان با توجه به مصرف و مدیریت سوخت در امور مربوط به خانه، نقش زنان کاملاً واضح و آشکار است. طرح ترسیب کربن با تشویق زنان و واگذاری تسهیلات خاصی مانند تنورهای گازی و کپسول گاز، اجاق گاز و ارائه تسهیلات خرید وسیله نقلیه با مشارکت مردم برای تأمین و حمل کپسول‌های گاز اقدام به جایگزینی سوخت‌های پاک مانند گاز به جای استفاده از مراتع و سوخت‌های فسیلی آلاینده کرده است. میزان مصرف گاز از ۲۲/۶ درصد خانوارها در سال ۱۳۸۲، به ۶۷ درصد در سال ۱۳۸۸ افزایش یافته است. از سوی دیگر بسیاری از خانوارها بخاری‌های نفتی را جایگزین بخاری‌های هیزمی کرده‌اند و با استفاده از تسهیلات طرح و صندوق‌های خرد اعتباری اقدام به خرید تانکرهای نفت کرده‌اند. هم‌چنین طرح به احداث حمام‌های عمومی خورشیدی، آب تصفیه کن خورشیدی و پمپ آب خورشیدی در برخی از آبادی‌های پر جمعیت اقدام کرده است. تنورهای گازی طبخ نان به ۲۰ درصد از خانوارهای طرح واگذار شده که در آبادی‌ها توسط خانوارها به صورت مشترک استفاده می‌شود که خود موجب برچیده شدن بسیاری از تنورهای سنتی طبخ نان در روستاها شده است. هم‌چنین بیش از ۱۵ درصد از وام‌های اخذ شده توسط زنان از صندوق‌های خرد اعتباری گروه‌های توسعه روستایی به خرید لوازم گاز سوز خانگی اختصاص یافته است.

جدول ۵: وضعیت تغییرات مصرف انواع سوخت در منطقه مورد مطالعه

سال	قبل از شروع پروژه شاخص (۱۳۸۲)	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸
تأمین سوخت از عرصه مراتع (خانوار)	۲۹۷	۲۶۴	۱۰۴	۹۱	۷۵
درصد از کل خانوارها	۸۳	۶۲/۷	۲۲/۳	۱۹/۴	۱۴/۲
مصرف گاز (خانوار)	۷۵	۱۲۷	۲۱۱	۲۹۲	۳۲۴
درصد از کل خانوارها	۲۲/۶	۳۴/۱	۴۵/۳	۶۲/۳	۶۷
تنورهای گازی طبخ نان (خانوار)	۰	۸	۲۵	۱۰۲	۱۲۸
درصد از کل خانوارها	۰	۲/۲	۵/۷	۲۱/۷	۲۶/۵

منبع: یافته‌های پژوهش

بحث و نتیجه‌گیری

بدون شک دستیابی به اهداف توسعه محلی پایدار بدون بهره‌گیری مستمر از نیمی از پیکره جامعه محلی یعنی زنان امری غیر ممکن است. زنان روستایی هر چند همواره با ایفای نقش‌های گسترده و چندگانه خود مشارکت جدی را در امور خانواده و حتی جامعه خود انجام داده‌اند اما فعالیت‌های تمام نشدنی آن‌ها در تداوم آشکار روابط سلطه میان دو جنس عمدتاً نادیده و بی‌اهمیت گرفته شده است. از سوی دیگر وجود روابط اجتماعی، فرهنگی، قومی و مذهبی با پیچیده‌گی‌های خاص خود در جوامع روستایی تاکنون مانع از بروز استعداد و توانایی‌های زنان در عرصه مشارکت جدی آن‌ها در فعالیت‌های عمرانی شده است. تجربه چندین دهه فعالیت‌های عمرانی مربوط به توسعه روستایی نشان داده است که شکست برنامه‌ها و توفیق نیافتن در همراهی مردم و مشارکت حداکثری در طرح‌ها و پروژه‌های عمرانی، اجتماعی و فرهنگی ارتباط نزدیکی با فقدان جلب اعتماد و اطمینان روستاییان بالاخص بی‌توجهی به قشر زنان داشته است. لذا به نظر می‌رسد که چنانچه بتوان به زنان در کنار مردان آن‌ها جایگاه مناسبی برای ورود به برنامه‌های توسعه محلی و روستایی داد و اعتماد آن‌ها را جلب کرد، بخش زیادی از مشکلات در روند حرکت در حال رشد و توسعه این مناطق حل خواهد شد.

تجربه برخی از طرح‌های ناموفق نیز نشان می‌دهد که بهترین راهکار برای بهره‌مندی از رشد پایدار در جوامع محلی ورود عملی زنان روستایی در کنار مردان در جریان برنامه‌ریزی، اجرا و نظارت است. تجربیات طرح بین‌المللی ترسیب کربن در بهره‌مندی از زنان و دختران روستایی در توسعه محلی پایدار یکی از موفق‌ترین طرح‌های عمرانی در ایران بوده است که در این مقاله سعی شده برخی از شیوه‌های مداخله زنان و عملکرد آن‌ها در روند توسعه پایدار محلی ارائه شود. نتایج نشان می‌دهد که زنان روستایی از طریق نشست‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی و آموزشی از سوی طرح به تدریج اطمینان و اعتماد به نفس لازم را برای تأثیرگذاری سازنده خود در برنامه‌های اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی کسب کرده‌اند. آن‌ها عملاً کارایی خود را در فعالیت‌های مشارکتی در بستر ساختارهای تشکیلاتی همانند گروه‌های توسعه روستایی دریافته و می‌دانند چگونه از طریق نشست‌های منظم در تمامی مسائل روستا اعمال نظر کنند و اعتماد و اطمینان دارند که نظرات آن‌ها شایان توجه و با اهمیت است. آن‌ها



دریافته‌اند که می‌توانند برای مواجهه با مشکلات و موانع در روستای خود راه حل‌های مناسب ارائه دهند و از طریق ایجاد هم‌فکری و تبادل افکار و کنش متقابل اجتماعی در امور مربوط به روستا اثرگذاری مثبتی داشته باشند. هم‌چنین از طریق سرمایه مالی، پس‌اندازهای شخصی و با بهره‌گیری از اعتبار مالی دوستان خود در گروه‌های توسعه روستایی به فعالیت‌های تولیدی اقدام کنند، بخشی از تولید را مصرف و بخشی را برای فروش روانه بازار کنند. از نیروی کار خانواده و حتی فرزندان در غیر سن فعالیت استفاده مفید را ببرند و با خلاقیت‌های خود صرفه‌جویی، کاهش هزینه‌ها و افزایش بهره‌وری در فعالیت‌های اقتصادی را داشته باشند.

از سوی دیگر همگام با اهداف اصلی طرح در جهت حفظ و بهبود پوشش گیاهی منطقه فعالیت کنند. آن‌ها به نقش حفظ مراتع در زندگی اقتصادی و اجتماعی خود در آینده واقف شده‌اند و تغییرات مختلف پدید آمده در محیط روستا و فعالیت‌های خود را از توجه دولت به مسائل منابع طبیعی و مراتع و مدیریت آن می‌دانند و اذعان دارند که خود و اعضای خانواده باید به‌عنوان نیروهای پشتیبان، حافظان و نگهداران دائمی مراتع باشند و اجازه تعدی و تجاوز را به عرصه‌های مرتعی به هیچ‌کس ندهند. لذا در برنامه‌های مختلف احیای پوشش گیاهی اطراف محل سکونت خود مشارکت جدی دارند و پذیرفته‌اند برای حفظ مراتع باید تغییراتی در الگوی بهره‌برداری و روش زندگی خود ایجاد کنند. از جمله فعالیت‌های جنبی سودآور و اشتغال‌زا را گسترش دهند تا اتکای آن‌ها به دامداری، به‌عنوان حرفه اصلی پیوسته در معرض تنش‌های اقلیمی، کاهش یابد. تغییر در سوخت در فعالیت‌های خانگی نیز نه تنها برای آن‌ها راحتی بیش‌تری ایجاد کرده، بلکه با قطع بوته‌کنی از مراتع به جریان احیای سریع‌تر اراضی تخریب شده کمک می‌کنند. بنابراین تجربه‌های طرح در خصوص توجه ویژه به مشارکت زنان نشان می‌دهد که چنان‌چه از این قشر به معنای واقعی در طرح‌های عمرانی استفاده شود و از دیدگاه‌ها و نقطه‌نظرات آن‌ها بهره‌برداری لازم انجام شود، آثار و پیامدهای بیش از حد انتظار نصیب خواهد شد. لذا پیشنهاد می‌شود به تجربه‌های طرح، بالاخص در ابعاد مختلف مشارکت زنان، در سایر طرح‌های مربوط به توسعه محلی و توسعه روستایی توجه کرده و سرمشق قرار داده شود.

منابع

- پاپلی یزدی، محمد حسین و ابراهیمی، محمدا میر (۱۳۸۷). *نظریه های توسعه روستایی*، تهران: سمت.
- جزایری، ادریس (۱۳۷۶). *نقش زنان روستایی در توسعه*، تهران: مؤسسه پژوهش های برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی.
- جنت هنشل، مامسن (۱۳۸۷). *جنسیت و توسعه*، ترجمه زهره فنی، مرکز مطالعات و تحقیقات زنان، تهران: دانشگاه تهران.
- جولی، ریچارد (۱۳۷۶). *اشتغال در جهان سوم: مسائل و استراتژی*، ترجمه احمد خزاعی، تهران: وزارت برنامه و بودجه.
- دابسون، آندره (۱۳۷۷). *فلسفه و اندیشه سیاسی*، ترجمه حسن ثلاثی، تهران: آگاه.
- رحیمی، حسین (۱۳۸۳). *جغرافیا و توسعه پایدار*، مشهد: اقلیدس.
- سیف اللهی، سیف الله (۱۳۸۱). *جامعه شناسی مسائل اجتماعی ایران*، تهران: موسسه جامعه پژوهشی سینا.
- شاراچاندار، عبیدالله (۱۳۸۲). «توسعه پایدار: یک بررسی انتقادی»، *گزیده مسائل اقتصادی اجتماعی*، شماره ۱۲۷، صص ۴۶-۶۱.
- عفتی، محمد (۱۳۷۹). «توسعه پایدار انسانی». *مجله جهاد*، شماره ۱۴۴، صص ۲۸-۴۳.
- عمادی، علی (۱۳۷۹). «نقش زنان در توسعه روستایی»، *ماهنامه وزارت جهاد کشاورزی*، ۳۴-۴۷.
- قراگوزلو، علی رضا (۱۳۸۴). *GIS و ارزیابی و برنامه ریزی محیط زیست*، تهران: سازمان نقشه برداری کشور.
- کولایی، الهه و حافظیان، محمدحسین (۱۳۸۵). *نقش زنان در توسعه کشور های اسلامی* (با تأکید بر خاورمیانه و جنوب شرق آسیا)، تهران: دانشگاه تهران.
- میلر، جی. تی (۱۳۸۷). *زیستن در محیط زیست*، ترجمه مجید مخدوم، تهران: دانشگاه تهران.
- Bonfiglioli, Angelo (1999). Participation grass-roots organizations in integrated rangeland livestock development pakestan, at: <http://www.fao.org/waicent/fao/info/sustedev/ppre0032.htm>.
- Chambers, Robert (2003). *Feminist Anthropology*, Black well, Oxford.

- Fao. (2000). *Agro-Ecological Assessment for Agriculture in The 21st century-land and Digital Media Series21*. Rome: FAO Press.
- Fonchingong, Charles C., (2006). Expanding horizons: Women's voices in community-driven development in the Cameroon grasslands, *GeoJournal*, 65: 137-149.
- Denise Lopez, Marilyn., (2008). *Sustainable Development as a Sulation to Inequality Amongst Rural Women of El Salvador: an Exploratory case study*, dissertation of Master of Science, Oklahoma State University
- Ismail, seragdin & Steeds, David (1990). *Rural Roads, Environmental and Socially Sustainable Development*, Proceedings series 15, The World Bank.
- Lehmann, A. D. (1979). *Development Theory: Four Critical Studies*. London, Frank Cass.
- Marrone, C., (2012). *A Community of Woman: A Model Intervention for Overcoming Poverty and Domestic Violence*, thesis of Doctor of Philosophy, The City University of New York.
- Moseley, M.g., (2004). *Rural Development: principles and practice*, sage, publications, London.
- Podhisita, Chai & Napaporn, Havanon (1990). Women work and Family size in rural Thailand in Asia-Pacific, *Population Journal*.vol 5. No 2.pp.44-61.
- Potter, b, Robert and unwin, Tim (1995). Urban-rural interaction: physical form and political process⁹ in third world, *journal of cities*, vol 12.
- Kristof, Nicholas and Sheryl WuDunn. (2009b). "Saving the World's Women: How Changing the Lives of Women and Girls in the Developing World Can Change Everything." *The New York Times*, August 23, 2009. Retrieved January 4, 2010. (<http://www.nytimes.com/2009/08/23/magazine/23Women-t.html>).
- Kubichek, Amy Marie., (2011). *The effects of economic development, time, urbanization, women's rights programs, women's microcredit programs, and women's market-oriented programs on gender inequality in India*, , thesis of Doctor of Philosophy, University of Pittsburgh.
- Rose, Gillian (1993). *Femenism & Geography*. Policy Cambridge press, London.
- Sharifi f. & mahdavi (2004). *The role of women and girls in watershed conservation and environment protection*. UNESCO theran office press Theran.
- Shomakher, A.F (1967). *Small is Beautiful*, MIT Uneversity press.
- Singh, K.B. & S.K. Chandoke (1970). *Village Housing Scheme in Lalgarh, an Assessment, in Rural Plan*. Rural Housing Wing Press. India.
- Vandana, Shiva ,(1989). *staving alive: women ecology and development*, Zed books press, London.
- World Bank ,(1975). *Rural development*. Sector Policy paper for the World Bank by the Johns Hopkins University press. London.
- World Bank (1985). *Development Report*.Oxford. NewYork.

نویسندگان

mm_fall@yahoo.com

محمود فال سلیمان

استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی از دانشگاه فردوسی مشهد و عضو هیأت علمی گروه جغرافیا در دانشگاه بیرجند که دارای سابقه آموزش و تدریس در این دانشگاه از سال ۱۳۷۳ به مدت ۱۹ سال، دارای ۱۸ مقاله علمی و پژوهشی منتشر شده در مجلات داخلی و خارجی و ۵۰ مقاله ارائه شده همایش‌های (ملی و بین‌المللی) است.

mh_geo88@yahoo.com

محمد حجتی پور

دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی در دانشگاه خوارزمی تهران که تاکنون تعداد ۵ مقاله علمی پژوهشی از ایشان در مجلات داخلی منتشر شده است. هم چنین تعداد مقالات چاپ شده در همایش (ملی و بین‌المللی) مشتمل بر ۱۰ مقاله است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی